

## چرخه تولید و مصرف علم در نظام آموزشی

حسین اسکندری\*

### چکیده

مثلث سیاست، پژوهش، و عملکرد حرفه‌ای، تقریباً در اکثر حوزه‌های فعالیت بشری وجود دارد. هرچه تعامل بین این سه ضلع بیشتر باشد، حوزه مورد نظر، رشد و تکامل بیشتری خواهد داشت و برعکس. تعامل بین این سه ضلع در حوزه‌هایی چون صنعت و اقتصاد، و بهداشت و درمان به طور نسبی بالا است. اما این سه ضلع مثلث در حوزه‌های علوم انسانی، به ویژه در تعلیم و تربیت، استحکام لازم را ندارد. نظام آموزش و پرورش برای ارتقاء کمی و کیفی ارتباط و تعامل سه ضلع مذکور باید پژوهش را محور کار خود قرار دهد.

اقدام پژوهی، پژوهش‌هایی است که به وسیله معلمان یا مدیران سطوح پایین‌تر انجام می‌شود که هدف حل مشکلات و مسائل واقعی مربوط به فرایند یاددهی - یادگیری است. پژوهش‌سنجی به معنای سنجش کیفیت پژوهش‌هایی است که در یک زمینه خاص انجام گرفته‌اند و فرایند پژوهش به معنای تفسیر، نتیجه‌گیری و یافته‌های پژوهش‌هایی است که موضوع مشترکی را دنبال کرده‌اند. در نتیجه پژوهش‌سنجی و فرایند پژوهش، اطلاعات و داده‌هایی گردآوری می‌شود که باید بعد از خلاصه و سازماندهی شدن در اختیار کسانی قرار گیرد که می‌تواند برای آنها مفید و حتی حیاتی باشد.

کلید واژه‌ها: پژوهش، اقدام پژوهی، پژوهش‌سنجی، فرایند پژوهش، اشاعه پژوهش، هوش پژوهشی، نظام آموزشی، پژوهش، تفکر پژوهشی.

---

\* دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه تربیت مدرس. دریافت: ۸۷۹۹ پذیرش: ۸۷۱۲۲۳

### سیاست، پژوهش و عملکرد حرفه‌ای

در تمام حوزه‌های فعالیت بشری می‌توان سه نوع فعالیت مجزا، اما کاملاً به هم وابسته را شناسایی کرد. دسته اول، فعالیت‌هایی چون سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های کلان، و نظارت در سطوح بالا را شامل می‌شود. روشن است در نتیجه این نوع فعالیت‌ها، خط‌مشی‌های کلی حوزه‌ای تعیین می‌شود. دسته دوم فعالیت‌ها، به تحقیق و پژوهش مداوم، در مورد مسائل متنوع و متعدد مبتنی به حوزه مورد نظر باز می‌گردد. دسته سوم، به فعالیت‌ها و عملکردهایی اشاره دارد که متخصصان و افراد حرفه‌ای آنها را انجام می‌دهند. از این پس، به سه دسته فعالیت‌های پیش‌گفته به اختصار، تحت عناوین سیاست، پژوهش، و عملکرد حرفه‌ای اشاره می‌کنیم.

همان‌گونه که اشاره شد، این سه دسته فعالیت، در تمام حوزه‌ها از جمله نظام آموزش و پرورش وجود دارد. سیاست‌گذاران به تعیین خط‌مشی‌هایی می‌پردازند که نوع و جهت فعالیت‌های مدیران پایین‌دست، متخصصان و افراد حرفه‌ای را مشخص می‌کند. متخصصان یا افراد حرفه‌ای با توجه به سیاست‌های تعیین شده و با تکیه بر دانش موضوعی خود، فعالیت‌ها و عملکردهای اصلی حوزه مورد نظر را بر دوش می‌کشند. برای آنکه تصمیم‌های سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان، به زبان ساده «درست» اتخاذ شده باشد، باید بر مبنای داده‌هایی باشد که پژوهش‌گران در اختیار آنها قرار می‌دهند. پژوهش‌گران افزون بر تهیه اطلاعات و داده‌های علمی و آماری برای سیاست‌گذاران، باید به چالش‌ها و مسائل پیش‌روی متخصصان و افراد حرفه‌ای نیز بیندیشند. بنابراین، هرچه تعامل بین این سه نوع فعالیت (سیاست، پژوهش و عملکرد حرفه‌ای) بیشتر باشد، رشد و تکامل حوزه

مورد نظر، شتاب بیشتری خواهد گرفت. این سه نوع فعالیت، به منزله سه ضلع اساسی مثلث هر حوزه به شمار می روند.



از دیدگاه بین المللی، شکافی که در حال حاضر بین پژوهش، سیاست، و عملکرد حرفه ای وجود دارد، مسئله نگران کننده ای شده است. برای نمونه، پژوهش هایی که در برخی زمینه ها از جمله تعلیم و تربیت انجام می شود، عملاً موجب ارتقای عملکرد حرفه ای افراد شاغل در این زمینه ها (از جمله معلمان، مدیران و برنامه ریزان آموزشی) نمی شود؛ بدین معنا که پژوهش گران، از مسائل و مشکلات واقعی و عملی بی اطلاعند یا به مقتضای برخی مسائل به آنها بی توجهی می کنند. از این رو، حتی اگر پژوهش های مورد نظر از لحاظ علمی خوب باشند، به یقین از دید افراد حرفه ای، یا آن دسته از افرادی که در آن زمینه شاغل هستند، پنهان خواهد ماند. در کنار این، پژوهش هایی نیز به چشم می خورد که افرادی آنها را انجام داده اند که دانش کافی را در زمینه مورد نظر نداشته اند. در چنین حالتی، فرایند پژوهش بیشتر «پاسخ به سؤال» است نه «حل مسئله». توضیح آنکه پاسخ به سؤال، در بستری از جهل شکل می گیرد، اما حل مسئله در بستری از دانش؛ یعنی اگر پژوهشگر، دانش کافی در زمینه مورد نظر را نداشته باشد، قادر به تشخیص مسئله و حل آن نخواهد بود. **بنابراین، پژوهش و بیشتر نوعی آموزش انفرادی و پاسخ به سوال خواهد بود و کمتر می تواند به مسئله گشایی بینجامد.**

شکاف بین اضلاع مثلث مورد نظر، در برخی حوزه‌های علوم انسانی، به‌ویژه در حوزه تعلیم و تربیت بسیار زیاد است. این موضوع در مورد دو ضلع سیاست و پژوهش نیز صادق است، و متأسفانه این دو نیز از یکدیگر دور مانده‌اند؛ یعنی سیاستگذاران تعلیم و تربیت عموماً از یافته‌ها و نتایج پژوهش‌های علوم تربیتی بی‌اطلاع می‌مانند یا به آنها توجه کافی نمی‌کنند. از این‌رو، برای اینکه این دو ضلع نیز بتوانند با یکدیگر تبادل دانش و آگاهی داشته باشند، الزاماً باید یک محور مشترک داشته باشند. اما برخلاف حوزه تعلیم و تربیت، امروزه پژوهش در صنعت و اقتصاد، اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد، به طوری که طی پانزده تا بیست سال گذشته، مشاهده شده است. شرکت‌هایی که در بخش پژوهش سرمایه‌گذاری نکرده‌اند، مجبور شده‌اند تغییر روش دهند و عملاً به یک سری آژانس‌های خدماتی تبدیل شوند، و صرفاً برای شرکت‌های بزرگی کار کنند که در آن زمینه پیشتاز هستند، از این‌رو، نظم نو کاری، پژوهش را به عامل ضرور تبدیل کرده است.

در حال حاضر، در مجامع آکادمیک غرب، گروه فراوانی تمایل دارند که از تعلیم و تربیت یا در اصطلاح آن آموزش و تدریس، به صورت حرفه مستند یاد کنند. اگرچه این اصطلاح چندان گویا و روشن نیست، برای آموزش، به منزله حرفه‌ای مبتنی بر پژوهش، ارزش قائل است، و تأکید می‌کند که عملکرد افراد شاغل یا مرتبط با حوزه آموزش، الزاماً باید بر نتایج و یافته‌های پژوهش مبتنی باشد. با وجود این، در دو دهه گذشته شکاف ایجاد شده بین حوزه پژوهش و آموزش کاملاً احساس شد. بدین ترتیب، در اواسط دهه ۱۹۹۰، برای برقراری ارتباط نزدیک بین پژوهش و کاربرد یافته‌های آن در عمل، و تجهیز معلمان به ابزار پژوهش، آژانس تربیت معلم انگلستان (TTA) به برگزاری همایش بزرگ و معتبری اقدام کرد که پیامدهای مفیدی را برای جامعه تعلیم و

تربیت انگلستان به همراه داشت. از جمله آنکه، این همایش بر معلم به منزله پژوهشگر، تأکید خاصی داشت.

همان گونه که اشاره شد، بین پژوهش و عملکرد، در حوزه تعلیم و تربیت شکاف بسیاری وجود دارد، به طوری که برای نمونه به ندرت یا عملاً هیچ گاه به انبوه پژوهش های انجام شده در مراکز دانشگاهی و حتی در پژوهشکده های وابسته به خود وزارت آموزش و پرورش توجه نمی شود، و یافته های آنها که سرانجام باید به بهبود برنامه ریزی و آموزش منتهی شود، نادیده گرفته می شود. برای چنین رخدادی، علل گوناگونی را می توان بیان کرد؛ از جمله آنها کم اطلاعی پژوهشگران از مشکلات واقعی و مسائل عملی مورد ابتلای حوزه آموزش است. از این رو، پژوهش های دانشگاهی ما، کمتر می توانند مشکلات اساسی و به اصطلاح ساده تر، فوری و فوتی حوزه آموزش را هدف گیری کنند که این به فاصله گرفتن هرچه بیشتر دو ضلع پژوهش و عملکرد دامن می زند.

از سوی دیگر، به نظر می رسد که نظام آموزشی ما (ضلع سیاست) هیچ ساز و کار مؤثری را برای استفاده از یافته های پژوهش، چه به وسیله معلمان و چه سیاست گذاران و مربیان تعلیم و تربیت در دستور کار خود قرار نداده است. از آنجا که در هر حوزه، قدرت تصمیم گیری و اجرایی در اختیار سیاست گذاران است، تصمیم های آنها می تواند به استحکام این سه ضلع کمک کند. مشکل دیگر پیش داوری ها و ذهنیت های سیاست گذاران است. بسیار دیده شده است که سیاست گذاران در صورت استفاده از یافته های پژوهش، اغلب تمایل دارند پژوهش هایی را برگزینند که پیش داوری آنها در مورد خط مشی های آموزشی را مورد تأیید قرار می دهد، بدین معنا که از یافته های پژوهش ها به شکل گزینشی استفاده می شود.

از علل مهم دیگر ایجاد شکاف بین پژوهش و سیاست، مربوط به سرعت این

دو می‌باشد. عموماً پژوهش با آهنگی متفاوت از سیاست حرکت می‌کند. می‌دانیم که بر اساس انتخابات، چرخه سیاسی ایران چهار ساله است و احتمال اینکه در هر یک از این دوره‌ها، سیاست‌های کلی نظام آموزشی، دستخوش تغییرات متعدد شود، بسیار است. این در حالی است که، امکان دارد برخی پژوهش‌های طولی ده تا پانزده سال به طول انجامند. افزون بر آنکه، حوزه عملکرد حرفه‌ای نیز اغلب به دوره‌های کوتاه‌مدت وابسته است. به طور خلاصه، می‌توان آسیب‌های احتمالی هر یک از سه ضلع مثلث پیشین را به شرح ذیل ارائه کرد:

#### ۱. سیاست‌گذاران، مدیران ارشد و برنامه‌ریزان

- کافی دانستن تجربه‌های پیشین؛
- انتخاب‌گرینی از نتایج یافته‌ها؛
- سوگیری در سفارش پژوهش‌ها؛
- تفاوت طول مدت چرخه‌های پژوهشی با چرخه‌های سیاسی؛
- تحقیقات ابزار تبلیغات.

#### ۲. پژوهش‌گران و اندیشه‌وران

- پاسخ به سؤال نه حل مسئله؛
- عدم اطلاع از مسائل دنیای واقعی؛
- سوگیری در پژوهش.

#### ۳. کارشناسان، کارمندان، شاغلان سطوح پایین

- عدم اطلاع از یافته‌های پژوهشی؛
  - عدم توجه و عدم کاربست یافته‌های پژوهشی.
- چه می‌توان کرد؟ چگونه می‌توان سه ضلع مثلث پژوهش، سیاست و عملکرد را تقویت کرد؟ چگونه می‌توان بین پژوهش و مشکلات واقعی آموزش،

پیوندهای قوی‌تری برقرار ساخت؟ آیا به همان اندازه که به طرح‌های جدید پژوهشی می‌اندیشیم، به علل شکست طرح‌های پیشین نیز اندیشیده‌ایم؟ چرا طرح‌های بزرگی مانند «طرح کاد» با شکست مواجه شدند؟ چرا «نظام جدید دوره متوسطه» نتوانست به هدف‌های تعیین شده دست یابد، و با استفاده از راهبرد عقب‌نشینی گام به گام، عملاً به نظام قدیم آموزشی عدول کرد و صرفاً در حد تغییرات ظاهری و حتی نه‌چندان محتوایی کتاب‌های درسی باقی ماند. مگر نه این بود که برای اجرای چنین طرح‌هایی، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته بود؛ پس چرا در عمل توفیق چندانی حاصل نشد؟ چه ابعادی از حوزه عملکرد از دید پژوهشگران یا سیاست‌گذاران پنهان مانده بود؟ چرا مشکلات آموزشی درس‌هایی چون زبان انگلیسی همچنان حل‌ناشدنی باقی مانده است؟ چگونه می‌توان مانند دیگر حوزه‌ها از جمله بهداشت و درمان، و صنعت و اقتصاد، فاصله بین پژوهش و عملکرد را در حوزه تعلیم و تربیت نیز کوتاه کرد؟...

به نظر می‌رسد، یکی از راهبردهای مؤثر که می‌تواند تضمین‌کننده پویایی و رشد نظام آموزشی باشد، توسعه تفکر پژوهشی است. به طوری که به واسطه آن بتوان تولید، توزیع و مصرف دانش و یافته‌های پژوهشی را در تمام بدنه نظام آموزشی مدیریت و کنترل کرد. افزون بر این، همواره باید مراقب آسیب‌ها و آفات شناخته شده‌ای بود که این چرخه را تهدید می‌کند.

برای آنکه تفکر پژوهشی در نظام آموزشی ریشه بگیرد و در پی آن بتوان آموزش را از جمله حرفه‌های مستند به شمار آورد، و به عبارت دیگر، بین دو ضلع عملکرد حرفه‌ای و پژوهش آشتی برقرار کرد، باید سه راهبرد عمده ذیل در نظام آموزشی نهادینه شود:

- رشد و توسعه اقدام پژوهی؛
- توسعه پژوهش‌سنجی و فراپژوهش؛
- اشاعه یافته‌های پژوهش؛

## اقدام پژوهی

معلمان در صف اول جبهه تعلیم و تربیت قرار دارند و از لحاظ تعداد، بیشترین نیروی انسانی هر نظامی را تشکیل می‌دهند. آنها می‌توانند همپای دیگر پژوهش‌گران به طراحی و اجرای پژوهش‌های کاربردی یا اقدام‌پژوهی بپردازند. این نیروی بالقوه می‌تواند منبع مداوم و باارزشی برای تولید علم و دانش به شمار آید. «یکی از راه‌های انتقال پژوهش و یافته‌های آن، این است که پژوهش به‌وسیله متخصصان موضوع مورد نظر صورت گیرد، نه به‌وسیله پژوهش‌گران خارج از موضوع». پژوهش درخالص‌ترین شکل آن به‌وسیله فرد متخصص، طراحی، اجرا و ارزشیابی می‌شود و با کمی تساهل، پژوهش‌گران خارج از موضوع، متخصصان را در امر پژوهش یاری خواهند داد. اما با این اطمینان که نیازها و اندیشه‌های متخصصان (و اینجا معلمان) همچنان در مرکز توجه قرار داشته باشد.

۶

معلم پژوهنده، بیان خاصی از رویکرد کلی‌تر است. عمده‌ترین کارهایی که در این باره انجام شده را وب (۱۹۹۰)، وب و وولیلای (۱۹۹۲) انجام داده‌اند. از جمله مزایای معلم پژوهنده، یکی این است که به‌طور معمول به شرایط و مسائل کلاس نزدیک است و کار تجربی آن نیز در کلاس انجام می‌شود و منافع آن نیز بی‌درنگ به کلاس باز می‌گردد.

اقدام‌پژوهی یا آن دسته از پژوهش‌های کاربردی که به‌وسیله معلمان انجام می‌شود، برای آنکه به یافته‌های معتبر منتهی شود، و به نوعی بتوان نتایج آن را حتی در سطح مدرسه یا منطقه آموزشی مورد نظر تعمیم داد، باید از ابزار پژوهشی استفاده کنند. برای نمونه، در این نوع پژوهش‌ها باید از پیش‌آزمون و پس‌آزمون و در صورت امکان از گروه کنترل استفاده شود که در صورت رعایت جوانب پژوهشی و دقت در اجرای آن، به پژوهش تجربی تبدیل خواهد شد. در



غیر این صورت، عمل آزمایشی بیشتر از آنکه نوعی پژوهش به شمار آید، صرفاً تغییر در برنامه درسی یا شیوه تدریس خواهد بود. هر حال، شاید بتوان پاسخ برخی پرسش‌هایی که پیش‌تر مطرح شد، در رشد و توسعه اقدام‌پژوهی و پژوهش کاربردی بین معلمان و مدیران یافت و به رشد کلی نظام آموزشی امید بیشتری داشت.

سال‌ها است در کشورهایی که دارای نظام پیشرفته آموزشی هستند، به معلمان میدان داده می‌شود که خود عهده‌دار پژوهش شوند تا آنکه مصرف‌کننده دیگر پژوهش‌ها باشند. برای نمونه، معلمان پژوهنده به شکل‌های گوناگون تشویق می‌شوند. از جمله آنکه، از انواع بورس‌های تحصیلی چه در دوره‌های ضمن خدمت و چه در مراکز آموزش عالی بهره‌مند می‌شوند. وزارت آموزش و استخدام انگلستان در بخشی از مقاله‌ای تحت عنوان «رشد حرفه‌ای» (۲۰۰۰)، جایگاه پژوهش را در رشد حرفه‌ای معلمان چنین بیان می‌کند:

ما علاقه‌مندیم از معلمان پژوهشگر و آنها که از پژوهش‌ها استفاده می‌کنند، حمایت کنیم؛ چراکه به ارزش این راه، در جهت تولید علم، و بالا بردن استانداردهای تدریس و یادگیری معتقدیم. پژوهش می‌تواند برای فرد معلمان، مدارس آنها و دیگر مدارس، مزایای متعددی به همراه داشته باشد. اعتقاد ما بر این است که پژوهش می‌تواند فعالیت با ارزش، به‌ویژه برای معلمان باتجربه باشد.

از مهم‌ترین پیامدهای نهادینه شدن تفکر پژوهشی بین معلمان، رشد تفکر انتقادی و حل مسئله بین آنها است. البته، به طور مستقیم و غیر مستقیم پیامدهای مثبت آن به دانش‌آموزان نیز منتقل خواهد شد. بدین معنا که، از این رهگذر، حتی می‌توان امید داشت رشد تفکر پژوهشی بین دانش‌آموزان نیز تسهیل شود. از معلمی که با حل مسئله و تفکر انتقادی بیگانه است، مشکل می‌توان انتظار داشت که این دو ویژگی مهم و مؤکد هر نظام آموزشی را بتواند به

دانش‌آموزان خود انتقال دهد. البته، لازم به یادآوری است که اقدام پژوهی برای آنکه به نتیجه مطلوب برسد، باید به رعایت شرایط و ضوابطی ملزم باشد. از جمله آنکه: الف. برای معلمان جذاب باشد؛ ب. نتایج آن در حین پژوهش و بعد از پژوهش ترویج شود؛ ج. نتایج آن برای مدارس مفید باشد؛ د. تا آنجا که امکان دارد، معلمان بیشتری را درگیر پژوهش کند.

### پژوهش‌سنجی و فرایز پژوهش

«پژوهش‌سنجی» به زبان ساده به معنای سنجش کیفیت پژوهش‌های انجام شده است. پژوهش‌سنجی اگرچه ممکن است برای جامعه علمی کشور، اصطلاحی ناآشنا و جدید به نظر آید، بیانی روشن و گویا است و با آنکه برخلاف برخی کشورها، در ایران، بنیاد یا مؤسسه خاصی در این زمینه وجود ندارد، به شکل محدود می‌توان برای آن مصداق‌های بیرونی سراغ گرفت که از آن جمله می‌توان به جشنواره خوارزمی درباره پژوهش‌های صنعتی و علمی اشاره کرد.

پژوهش‌سنجی می‌تواند هدف‌های گوناگونی را دنبال کند. برای نمونه، هدف آن ممکن است صرفاً تشویق مؤسسه‌های پژوهشی به ارائه پژوهش‌هایی با کیفیت بهتر و عالی باشد یا هدف آن تخصیص بودجه به مراکز مورد نظر بر مبنای کیفیت پژوهش‌هایی که انجام داده‌اند. اما هدف اصلی پژوهش‌سنجی در نظام آموزشی، بلیشن‌سنجی آن‌هاست. پژوهش‌سنجی باید که در اجرای آنها در وقت و کفایت مبدل شده است. افزون بر این، به‌کارگیری یافته‌های آنها در وقت و کوتاه‌مدت برای نظام آموزشی آثار و منافع قابل توجهی را به همراه داشته باشد.

«فرایز پژوهش» به معنای پژوهش درباره پژوهش‌ها است. فرایز پژوهش به بررسی نتایج پژوهش‌ها و تحقیقات متعددی می‌پردازد که در یک زمینه خاص انجام شده‌اند. هدف این پژوهش نتیجه‌گیری‌های گوناگون و احتمالاً ضد و نقیضی است که از این پژوهش‌ها به دست آمده. این گونه پژوهش‌ها، اگر با دقت

لازم و بر مبنای علمی تهیه و تنظیم شده باشند، می‌توانند برای پژوهش‌گران، معلمان، دست‌اندرکاران، مربیان، سیاست‌گذاران و... بسیار مفید باشند.

نظام آموزشی، افزون بر پژوهش‌سنجی، باید به فراپژوهش نیز توجه خاص داشته باشد تا بدین وسیله، نتایج انواع پژوهش را به شکلی مناسب و قابل فهم در اختیار علاقه‌مندان و مخاطبان قرار دهد. در غیر این صورت، نتایج و یافته‌های پژوهش به احتمال بسیار زیاد از دید افرادی که این یافته‌ها می‌تواند برای آنها مفید، و حتی حیاتی باشد، دور خواهد ماند. فراپژوهش باید به تفسیر و خلاصه کردن نتایج پژوهش‌ها بپردازد، به طوری که افراد حرفه‌ای (معلمان، مدیران و...) با هر سطحی از دانش و آگاهی، و با وجود مشغله‌های فراوان بتوانند در حیطه‌ی زمان ممکن به لب نتایج دست یابند و آنها را در حوزه عملکرد خود به کار گیرند.

### اشاعه یافته‌های پژوهش

با توجه به مشکلات و مشغله‌های کاری فراوان، و با توجه به وضعیت فرهنگی حاکم بر ایران، نباید انتظار داشت که افراد فعال در نظام آموزش و پرورش (از جمله معلمان که در بسیاری از موارد مخاطبان اصلی پژوهش‌ها به شمار می‌روند) خود اقدام به تهیه، مطالعه، بررسی، و تجزیه و تحلیل نتایج پژوهش‌ها کنند. افزون بر آنکه، پراکندگی و فراوانی پژوهش‌ها در مراکز علمی سرتاسر ایران، عملاً دستیابی به آنها را غیر ممکن می‌سازد و مهم‌تر از همه آنکه، عموماً پژوهش‌های آکادمیک، به راحتی برای مخاطبان عادی قابل استفاده نیستند. پژوهش‌ها اغلب در مرکز یا مؤسسه‌ای که مجری آنها بوده است، بدون استفاده انبار می‌شوند، و چه بسا دستیابی به آنها برای دیگر محققان و پژوهش‌گران نیز با دشواری‌هایی همراه باشد. این مسئله را به‌طور کامل بسی (۲۰۰۰) و تحت عنوان «هوش پژوهشی» مورد بحث قرار داده است. برای آنکه پژوهش‌ها به نتیجه نهایی دست یابند، باید یافته‌های آنها در دسترس مخاطبان قرار گیرد. این

امر افزون بر آنکه به رشد و عملکرد حرفه‌ای افراد کیفیت می‌بخشد، و موجب ارتقای استانداردهای یاددهی - یادگیری می‌شود، خواسته و ناخواسته، رشد تفکر پژوهشی را نیز به دنبال خواهد داشت.

اشاعه یافته‌های پژوهش، بعد از پژوهش‌سنجی و فرایزهش صورت می‌گیرد؛ چراکه در دسترس قرار دادن یافته‌های تمام پژوهش‌ها (حتی به شکل خلاصه) امکان‌پذیر نیست. از این‌رو، به واسطه این دو فرایند باید به انتخاب دست زد و یافته‌های بهترین پژوهش‌ها را از راه‌های گوناگون در دسترس مخاطبان قرار داد. اشاعه پژوهش ممکن است از طریق کتاب، نشریات ادواری، مجموعه مقالات، سمینارها، انواع CD\_ROM پایگاه‌های اینترنتی صورت گیرد. در حال حاضر منبعی که به شکل مداوم به انتخاب، تفسیر، خلاصه کردن و تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش‌ها در یک زمینه تخصصی پردازد وجود ندارد. نکته مهم در این زمینه این است که اشاعه پژوهش، اساساً با انواع نمایه‌ها و چکیده‌نامه‌ها متفاوت است. نمایه‌ها و چکیده‌نامه‌ها صرفاً برای استفاده پژوهشگران تهیه و تنظیم می‌شوند، بدون آنکه به ارزشیابی پژوهش مورد نظر پردازند، و عموماً به بیان مختصری از محتوا و هدف پژوهش بسنده می‌کنند و کنار این، پژوهشگر را از محل اجرا و نگهداری پژوهش مورد نظر نیز آگاه می‌کنند. اما منابعی که به اشاعه یافته‌های پژوهش می‌پردازند، باید مخاطبان را از رجوع به منابع اصلی بی‌نیاز کنند. افزون بر آنکه، با ارزشیابی‌هایی که انجام می‌دهند، فقط باید به معرفی شمار محدودی از یافته‌های بهترین پژوهش‌ها اقدام کنند.

با به کارگیری این سه راهبرد مؤثر و کلیدی می‌توان به رشد تفکر پژوهشی در نظام آموزشی و سرانجام انتقال این نوع تفکر به دانش‌آموزان امیدوار بود. از پیامدهای آشکار رشد تفکر پژوهشی، استحکام سه ضلع مثلث پژوهش، سیاست و عملکرد حرفه‌ای است که همواره یک‌دیگر را متأثر می‌کنند. با انجام اقدام‌های

پیش‌گفته می‌توان آثار منفی این سه حوزه بر یکدیگر را به حداقل رساند و رابطه آنها را به سوی تبادل دانش و آگاهی هدایت کرد.

**پی‌نوشت‌ها** .....

۱. Gee, J.P, Hull, G. and Lankshear, C. *The New Work Order: Behind the Language of New Capitalism*

۲. evidence - based profession.

۳. Teacher Training Agency.

۴. longitudinal research.

۵. Donald Shon, 1987.

۶. ر.ک: جان اگلستون، *تدریس و یادگیری طراحی و تکنولوژی*، ترجمه داریوس نوروژی، حسین اسکندری.

۷. Webb.

۸. Webb & Vulliamy

۳

۹. ر.ک: زهره سرمد و دیگران، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*.

۱. Professional Development.

۲.

۵

۱. همان، ص

۱

۱. critical thinking. ۲

۱. problem solving. ۳

۱. research assessment. ۴

۱. meta - research. ۵

۱. عباس بازرگان، «نقش اطلاع‌رسانی در پژوهش‌های آموزشی» *تعلیم و تربیت*، ۹، ص ۹-۲۰.

۶

۱. Bassey. ۷

۱. Research Intelligence. ۸

۱. ر.ک: جان اگلستون، *تدریس و یادگیری طراحی و تکنولوژی*، ترجمه داریوس نوروژی، حسین اسکندری.

۹

## منابع

- اگلستون، جان، *تدریس و یادگیری طراحی و تکنولوژی*، ترجمه داریوس نوروژی، حسین اسکندری، تهران، ژنگ،

۱۳

۸

۴

- بازرگان، عباس، «نقش اطلاع‌رسانی در پژوهش‌های آموزشی» *تعلیم و تربیت*، ۹، ۳۷۴، ۹، ص ۲۰۹.

- سرمد، زهره، عباس بازرگان و اله حجازی، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران، آگاه، ۱۳۸۰.

-Bassey, M, "Review of Education Research", *Research Intelligence*, 71, P 22 – 29, 2000.